آقائی و محبوبی حضرت اسم اللّه م‌ه علیه من کلّ بهآء ابهاه و من کلّ علآء اعلاه بلحاظ اظهر انور ملاحظه فرمایند

۱۵۲[[1]](#footnote-1)۱

بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

شهد اللّه انّه لا اله الّا هو و الّذی ظهر بین الأمم انّه هو مولینا و مولی العالم و مالک القدم الظّاهر بالاسم الأعظم الّذی اذا ظهر تزعزع کلّ بنیان و اضطرب کلّ انسان الّا من شآء اللّه ربّنا و ربّ من فی الأرض و السّمآء و ربّ العرش و الثّری لا اله الّا هو الواحد الفرد المقتدر العلیم الحکیم و العرف المتضوّع من الجنّة العلیا و الفردوس الأعلی علی اصفیآء اللّه و اولیائه الّذین بهم اشرق نور التّوحید من افق کلّ مدینة و کلّ ارض و بهم لاح نیّر البیان بین اهل العرفان و ظهر ما انزله الرّحمن فی الفرقان یجاهدون فی سبیل اللّه و لا یخافون لومة لائم یشهد الخادم بأنّهم عباد نطقت کتب اللّه بذکرهم و ثنائهم و اعترف بسلطانهم و عظمتهم و قیامهم و استقامتهم و ما یرد علیهم فی اللّه من البلایا احد من الأولیآء انّه لعلیّ المرتضی فی ملکوت الأسمآء بقوله طوبی لنا و طوبی لهم و طوباهم افضل من طوبانا الی آخر قوله بهم خرقت الأحجاب و ظهرت العلامات و نصبت الرّایات الّذین ما منعتهم شئونات الخلق عن الحقّ و ما حجّبتهم حجبات العلمآء عن مالک الأسمآء اذا سمعوا النّدآء بین الأرض و السّمآء اقبلوا الی الأفق الأعلی و قالوا لبّیک یا فاطر السّمآء و الظّاهر باسمک الأعظم الأبدع الأبهی ثمّ توجّهوا بوجوه بیضآء الی المدائن و القری و حدّثوهم بما ظهر من لدی اللّه ربّ العرش و الثّری علیهم صلوة اللّه و رحمته و بهآء اللّه و نوره و عزّ اللّه و فضله و کرم اللّه و جوده یسئل الخادم ربّه بأن یؤیّدهم فیکلّ الأحوال و یحفظهم عن الّذین کفروا و اعرضوا عن الّذی به رفعت مقاماتهم و علت مراتبهم لعمر اللّه قد ذاب کبد الخادم او کاد ان یذوب بما یری العباد معرضین عن الّذی یدعونه فیکلّ صباح و مسآء و فی اللّیالی و الأیّام و یرکضون الی بیته لیعملوا بما امروا به و تصعد زفراتهم حین الأعمال و اسفاتهم بالخضوع و الابتهال فلمّا اشرق نیّر الامتحان و ظهر حکم القضآء من لدی الرّحمن فرّوا کحمر مستنفرة یا لیت یکتفون بالفرار و عدم الاقرار بل قاموا علی الاعراض و الاعتراض و عملوا ما ناح به سکّان الجبروت و اهل سرادق الملکوت و عن ورائها صعد غبار الأحزان الی ان تغبّر به ردآء الرّحمن یسئل الخادم ربّه فی هذا الحین الّذی کان متمسّکاً بحبل فضله و متشبّثاً بذیل کرمه بأن یزیّن العباد بطراز الانصاف و یهدیهم بجوده و عنایته الی سوآء الصّراط روح الخادم لحبّکم الفدآء و لخدمتکم الفدآء و لغربتکم و کربتکم الفدآء قد کنت متفکّراً فی شئونات العالم و حوادثه و ناظراً الی الأشیآء کالمتحیّر المولّه الباهت اذاً اسمعنی صریر قلمکم ما اجتذبنی الیکم و امالنی الی شطرکم فلمّا سمعت زمزمة البیان و هدیر حمامة الشّوق و الاشتیاق قصدت مطلع الاشراق و عرضت ما فی کتابکم لدی اللّه مالک الآفاق فلمّا تمّ و انتهی ارتفع حفیف سدرة المنتهی من المقام الأعلی قال جلّت عظمته و کبر کبریائه

بسمی الذّاکر العلیم

یا اسمی بشأنی بیان از ملکوت عرفان نازل و ظاهر که کینونت ذکر و بیان و حجّت و برهان و ایمان و ایقان منصعق و مدهوش مشاهده شد الّا من شآء اللّه یا اسمی چه شده که ناس از نسایم ربیع رحمت و نفحات ایّام الهی محروم مانده‌اند علم و ادراک و شوق و اشتیاق و جذب و انجذاب جمیع از برای این یوم خلق شده مع‌ذلک مرایای وجود از تجلّیات شمس ظهور بی‌نصیب اگر نفسی این ندا را نشنود البتّه صاحب سمع نبوده و اگر بمشاهدهٴ انوار ظهور فائز نگردد دارای بصر نبوده و نخواهد بود بچه مقبلند و از چه معرض سبحان من کشف لکم و ستر عنهم بما اکتسبت ایدیهم شکّی نبوده و نیست که سبب و علّت اوّلیّه در احتجاب و اعراض نفوس غافله اولیای امور ظاهره بوده‌اند یعنی نفوسیکه خود را از اهل علم میشمرند و رؤسای دین میدانند جمیع اشیاء بر ظلم آن نفوس غافلهٴ معرضه شهادت میدهند و نوحه مینمایند یقولون انّا آمنّا باللّه ثمّ یفتون علیه و لا یشعرون یقومون و یصلّون و لا یفقهون باسم حقّ معزّز بوده و هستند و از برای او ذلّت کبری خواسته و میخواهند اگر در یک آن خالص شوند البتّه تغرّدات حمامهٴ امر را اصغا نمایند و از شمال بیمین توجّه کنند طوبی لعالم ما منعه الهوی عن مولی الوری اذا سمع اقبل و اجاب و قام علی خدمة الأمر علی شأن یری الحقّ امام عینیه و الخلق عن ورائه کذلک نطق قلمی الأعلی قبل خلق الأرض و السّمآء و فی هذا الحین قد سمع منه کلّ ذی اذن ما سمعت اذن الکلیم فی طور البیان و اذن الحبیب اذ توجّه الی اللّه العلیم الحکیم تاللّه قد تمّت حجّة اللّه و انّها بتمامها تطوف حول العرش و القوم فی ریب مبین یرون الآیات و ینکرونها و یسمعون النّدآء و یعرضون عنه الا انّهم فی خسران عظیم انّک لا تحزن من شیء کن فی کلّ الأحوال قائماً علی خدمتی و ناطقاً بثنائی و عاملاً بما نزّل من ملکوت امری و آمراً بما انزلناه فی کتابی العزیز قد حضر العبد الحاضر و قرء کتابک لدی المظلوم اجبناک بالحقّ و ارسلنا الیک ما تقرّ به عیون الّذین ما نقضوا میثاق اللّه و عهده و تشبّثوا بأذیال ردآء ربّهم الغفور الکریم کبّر من قبلی علی وجوه احبّائی و بشّرهم برحمتی الّتی سبقت و فضلی الّذی احاط من فی السّموات و الأرضین قل یا معشر الأولیآء علیکم بالحکمة و بما یرتفع به هذا الأمر المبرم المتین و نذکر امائی اللّائی سمعن و اقبلن الی اللّه الفرد الخبیر یا مهدی امتیاز از مابین برخاست چه که مشاهده میشود بعضی از نفوس غافلهٴ مجعوله ادراک مقام اثر را ننموده‌اند تا چه رسد بمؤثّر آیات الهی را قرائت مینمایند و از مقامش غافلند و از نفحاتش بی‌نصیب و همچنین بیّناتش را مشاهده مینمایند و از عرفانش محجوب سبحان‌اللّه ابصار را بشأنی غشاوه و رمد اخذ نموده که نور را از ظلمت فرق نمیگذارند فاسئل اللّه بأن یوفّقهم و یؤیّدهم و یطهّرهم عن النّفس و الهوی و یزیّنهم بما یحبّ و یرضی انّه مولی الوری و ربّ الآخرة و الأولی انتهی

 یا محبوب ذاتی و کینونتی در هر آن از ملکوت بیان رحمن ظاهر میشود آنچه که هر ذی اقبالی عرف فردوس اعلی از او استشمام مینماید و اگر عرض کنم حجر و مدر جوهر هوش شده و گوش فراداشته از برای شنیدن ندای حقّ جلّ جلاله حقّ است و شکّی در او نبوده و نیست چه که امروز جمیع عالم بطراز هستی بدیع مزیّن و نعمت مکنونهٴ ظاهرهٴ الهی بر کلّ نازل عنایت باینمقام و مقدار مشاهده میشود مع‌ذلک کلّ غافل و معرض الّا من شآء اللّه

در بارهٴ عدم وصول عرایض و مراسلات مرقوم فرمودند تا حال آنچه دستخطّ آنحضرت عزّ ورود یافت جواب بتفصیل عرض و ارسال شد و از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که آنچه ارسال شد برسد و جمیع مزیّن بآیات باهرات و کلمات عالیات بوده چه مخصوص آنحضرت و چه مخصوص نفوس مذکوره

 اللّهمّ یا الهی بلّغ ما انزلته الی اسمک ثمّ ارزقه نعمة بیانک و مائدة سمائک انّک علی کلّشیء قدیر

 تا حال عدد چهار اینعبد ارسال داشته مع کثرت اشغال و کثرت تحریر در جواب دستخطّهای آنحضرت بهیچوجه اهمال نشده و تأخیر نرفته

 اینکه در توجّه بارض اشتهارد و احبّای آنمحلّ از اماء و عباد علیهنّ و علیهم بهآء اللّه مرقوم داشتید در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد هذا ما نزّل لهم من سمآء مشیّة ربّنا العلیّ العظیم قوله عزّ بیانه و عظم سلطانه و جلّ کبریائه

بسمی المشفق الکریم

قلم اعلی اهل الف و شین را ذکر مینماید و به ما ینبغی لنسبتهم الی الاسم الأعظم وصیّت میفرماید ایّام معدوده و زخارف محدودهٴ فانیه قابل ذکر و توجّه نبوده و نیست بحقّ تمسّک نمائید و بذیل عنایتش تشبّث قدر و مقام خود را بدانید الحمد للّه فائز شدید بآنچه که اکثر اهل ارض از آن غافل و محجوبند و هم‌چنین علما و عرفا که خود را قائد اغنام و پیشوای انام میدانستند مگر علمائیکه باسم حضرت قیّوم از رحیق مختوم آشامیدند و اصنام اوهام و ظنونرا بعضد یقین شکستند قدر و مقام عنایات الهیّه را بدانید و بذکرش مشغول باشید عنایتش لاتحصی بوده و خواهد بود و فضلش محیط چنانچه مشاهده میشود در سجن اعظم بایادی ذکر و اسباب بیان از برای هر یک قصر عالی بنا فرموده و میفرماید و این قصور را فنا از پی درنیاید و طول زمان او را خراب ننماید چه که بید قدرت تعمیر شده و بعنایت محضه مرتفع گشته ان اعرفوا ثمّ اشکروا ربّکم الغفور الکریم ضوضای علما و نعاق جهلا و ظلم و سطوت امرا باقی نبوده و نیست عنقریب کلّ بفنا راجع آنچه باقی و دائمست عنایت حقّ بوده و خواهد بود باعمال طیّبه تمسّک نمائید و باخلاق الهی ظاهر شوید تا کلّ از شما نفحات طیّبهٴ مقدّسه بیابند و بشطر دوست توجّه نمایند از حقّ منیع مسئلت نمائید تا جمیع اهل ارض را بنور انصاف منوّر فرماید و ظلم و تعدّی را بعدل مبدّل نماید اوست قادر و توانا و اوست عالم و بینا البهآء علیکم و علی الّذین ما منعتهم النّفس و الهوی عن اللّه مولی الوری و ربّ الآخرة و الأولی و هذا ما نزّل لامآء اللّه علیهنّ بهآء اللّه

بسمی العلیم الخبیر

یا امآء اللّه فی الألف و الشّین ان افرحن بما یذکرکنّ المظلوم بذکر یبقی بدوام الملک و الملکوت و یقرأه عباد مکرمون طوبی لأمة سمعت و اجابت و فازت بذکر اللّه المهیمن القیّوم و ویل لعبد اعرض عن اللّه اذ اتی بالحقّ بسلطان احاط ما کان و ما یکون کم من عالم منع عن بحر العلم فی ایّام اللّه و کم من امة تقرّبت الی ان فازت و شربت منه باسم ربّها مالک الوجود ای کنیزان الهی مظلوم عالم از سجن اعظم بشما توجّه نموده و شما را ذکر مینماید اگر بر عظمت اینمقام اطّلاع یابید بفرح اکبر فائز شوید فرحیکه احزان عالم او را تغییر ندهد و ضوضای امم او را منع ننماید طوبی از برای شما بوده و هست چه که بافق اعلی توجّه نموده‌اید و بذکر و ثنای حقّ جلّ جلاله مشغولید جمیع عالم از برای معرفت حقّ خلق شده‌اند مع‌ذلک کلّ محجوب و شما از بدایع فضلش بآن مرزوق باسمش بگوئید و بذکرش بنوشید و بیادش مسرور باشید شما از ورقات فردوس لدی اللّه مذکورید بذکرش ناطقید و بحبّش مشتعل شما فائزید بامریکه اکثر علمای ارض از او غافل و بشأنی حقّ جلّ جلاله شما را مؤیّد نموده که بیانش را میشنوید و ندایش را اصغا مینمائید یک تجلّی از تجلّیات نوری از انوارش بر طور اشراق نمود مندک شد و بر دوستان خود در این ایّام من غیر انقطاع تجلّی فرموده و میفرماید و محلّ تجلّیات اینظهور حقایق انسانی بوده و هست تفکّر نمائید تا اینمقام را بیابید و از کوثر بیان الهی لذّت برید طوبی للشّاربات و نعیماً للعارفات البهآء علیکنّ من لدی اللّه مظهر البیّنات و منزل الآیات انتهی

آفتاب عنایت الهی بر جمیع تابیده و فرات رحمت رحمانی مخصوص هر یک از مقرّبین و مخلصین ساری و جاری هی بگیرید و بنوشید انّه لهو المعطی الکریم در این ایّام حقّ جلّ جلاله بورقهٴ مقدّسهٴ مبارکه روحی و ذاتی و کینونتی لها الفدآء ورقه‌ئی عنایت فرموده بعضی که در آنمحل حاضر مکدّر شدند و آثار کدورت از اکثری ظاهر لوح مبارک از سماء مشیّت نازل صورت آنرا این خادم ذکر مینماید تا جمیع من علی الأرض بر استوای هیکل عدل بر عرش بیان آگاهی یابند و متنبّه شوند هذه صورة ما نزل من لدی اللّه ربّ العالمین قوله جلّ و عزّ

هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

یا ورقتی ان اشهدی انّه لا اله الّا هو الواحد الفرد المهیمن القیّوم و بعد جمیع بدانند و در اینفقره بانوار آفتاب یقین فائز و منوّر باشند اناث و ذکور عنداللّه واحد بوده و هست و مطلع نور رحمن بیک تجلّی بر کلّ مجلّی قد خلقهنّ لهم و خلقهم لهنّ احبّ الخلق عند الحقّ ارسخهم و اسبقهم فی حبّ اللّه جلّ جلاله ان افرحی ثمّ اشکری فیما اعطاک اللّه الّتی سمّیناها فی ملکوت الأسمآء بساره انّه ولیّ کلّ امة و مولی کلّ عبد ثابت مستقیم البهآء علیکنّ جمیعاً من لدی المظلوم الغریب انتهی

 از این لوح مبارک ظاهر و مبرهن که جمیع لدی اللّه در صقع واحد بوده و هستند انّ اکرمکم عند اللّه اتقیکم در مراتب محبّت و تقوی و فرمان‌برداری و معروف و دون آن از هم ممتاز میشوند در اینمقام مکرّر اینکلمهٴ علیا از لسان مالک اسماء شنیده شد

باید دوستان حقّ بطراز عدل و انصاف و مهر و محبّت مزیّن باشند چنانچه بر خود ظلم و تعدّی روا نمیدارند بر اماء الهی هم روا ندارند انّه ینطق بالحقّ و یأمر بما ینتفع به عباده و امائه انّه ولیّ الکلّ فی الدّنیا و الآخرة انتهی

 اینکه ذکر جناب آقا اسداللّه از ارض الف و شین و والده‌اش فرمودید بعد از عرض اینکلمهٴ علیا از امّ الکتاب ظاهر قوله تبارک و تعالی

 یا اسد انّا ذکرناک من قبل و ذکرنا العباد الّذین آمنوا فیهناک باللّه ربّ العالمین و ذکرنا امّک الّتی صعدت الی بارئها و سمعنا ندائها انّ ربّک لهو السّامع البصیر قد غفرها اللّه فضلاً من عنده و زیّنها بطراز ذکره الجمیل طوبی لها و لکلّ امة اقبلت و شهدت بما شهد اللّه انّه لا اله الّا هو الفرد الخبیر انتهی

 اینکه در بارهٴ حقوق مرقوم فرمودند آنچه آنحضرت عمل فرمایند لدی العرش مقبول است اینفقره در ساحت امنع اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان البیان فی ملکوت العرفان قوله عزّ اجلاله

 یا اسمی علیک بهائی بشما اذن عنایت شد که اخذ حقوق نمائید و آنچه را مصلحت دانید بدوستان حقّ برسانید اگر چند صباحی نظر بعدم استعداد عالم و امم دوستان حقّ فقیر و محتاج مشاهده شوند حقّ شهادت و گواهی میدهد بر علوّ و سموّ و غنا و استغنای ایشان چه که این امور از اعراض محسوب جوهر را زیانی نداشته و ندارد انشآءاللّه اغنیای ارض موفّق شوند بر آنچه از قلم اعلی در کتاب الهی نازل شده جناب محمّد قبل علی خ‌ا انشآءاللّه بذکر حقّ و خدمتش مؤیّد شوند کبّر من قبلی علیه و بشّره بذکری ایّاه انّه لا تعادله کنوز الأرض انتهی

 در بارهٴ ورود ارض ط آنچه مرقوم شد از مراوده و محبّت و استعداد دوستان الهی جمیع اینمراتب تلقاء وجه عرض شد فرمودند یا اسمی جهد نما تا نقطهٴ محبّت الهی کلّ را جذب نماید و بر سریر اتّحاد مقرّ معیّن فرماید این امر مقدّم است بر جمیع امور و اوست دریاق امراض مزمنهٴ اهل عالم انّا نذکرهم و نکبّر علیهم من هذا المقام الأعلی و نبشّرهم بما قدّر لهم من لدی اللّه المهیمن القیّوم و نأمرهم بالمعروف و بما ینبغی لاسمی الأعزّ الأقدس الأطهر العزیز المحبوب جمیع عالم در صدد آنند باسبابیکه سبب و علّت ظهور و اعلاء ذکر است تشبّث نمایند و در طلب آن بشأنی جدّ و جهد مبذول دارند که انسان عاقل را متحیّر مینماید و مقصودشان فی‌الحقیقه بمثابهٴ سراب مشاهده میشود الحمد للّه اولیای این عصر بامری متمسّکند که شبه آن در عالم دیده نشده لذا باید کلّ قیام نمایند بر آنچه که سبب و علّت اعلای کلمهٴ الهیّه است و ناصری در اینمقام اعزّ و اقوی از اعمال طیّبه و اخلاق مرضیّه نبوده و نیست انشآءاللّه جمیع باین جنود ظاهرهٴ باهرهٴ قویّه حقّ جلّ جلاله را نصرت نمایند و افعال درّنده‌های روزگار مقبول نبوده و نیست جمیع از برای وصل آمده‌اند نه فصل و از برای التیام و اتّفاق موجود شده‌اند نه اختلاف و نفاق اگر چندی بآنچه حقّ فرموده عمل نمایند عنقریب خود را بر بساط راحت و عزّت و نعمت مشاهده کنند صدهزار طوبی از برای عاملین و مخلصین انتهی این خادم فانی از حقّ تعالی شأنه سائل و آمل که جمیع را بر آثار و اثمار سدرهٴ بیان آگاه فرماید لعمر المقصود هر نفسی آگاه شود بکمال شوق و اشتیاق باحکام الهی تمسّک نماید

 ذکر صعود ورقهٴ نورا حضرت حرم علیها منکلّ بهآء ابهاه فرمودند خبر رسید و در بارهٴ آن ورقهٴ علیا و ثمرهٴ سدرهٴ منتهی نازل شد آنچه که معادله ننماید بآن ما زیّن بطراز الوجود فی‌الحقیقه حزن فراق او را آب نمود یک فقره که از قلم اعلی در بارهٴ ایشان نازل شده اینکلمهٴ علیاست قوله جلّ اجلاله قد احیتک آیة الوصال فی الأولی و اماتتک آیة الفراق فی الأخری و هم‌چنین میفرمایند قوله عزّ کبریائه ثمرهٴ علیا فی‌الحقیقه ذابت فی الفراق لذا از شهدا لدی اللّه مذکور و مکافات اینعمل ذکریست که در زیارتش از قلم اعلی نازل در آن لیل و یوم آن هر نفسی صعود نمود بخلع غفران فائز و این فضل مخصوص است باو مگر نفوسیکه انکار حقّ اللّه و آیات او را جهرةً نموده‌اند انتهی فی‌الحقیقه از سماء رحمت رحمانی و افق عنایت ربّانی نازل و اشراق نمود آنچه که عرف بقا از او استشمام میشود و نفحات حیات از او متضوّع سبحان النّاطق و سبحان المبیّن و سبحان المکلّم جلّت عظمته و جلّ سلطانه لا اله غیره

 و هم‌چنین ذکر صعود جناب آقا سیّد ابوطالب و جناب حاجی میرزا کمال‌الدّین علیهما بهآء اللّه و رحمته و عنایته از قبل رسید و مخصوص هر یک مرّة بعد مرّة از سماء فضل نازل آنچه که فی‌الحقیقه لا نظیر له بوده طوبی لهما یا لیت کنت معهما و فزت بما نطق لسان العظمة فی حقّهما

 ذکر محبوب فؤاد جناب آقا میرزا حیدر علی علیه بهآء اللّه الأبهی فرموده بودند اخبار ایشان از جمیع جهات رسیده از ارض خاء نفوس متعدّدهٴ ثابتهٴ مستقیمه ذکر ایشانرا و آنچه در آن ارض واقع شد بساحت اقدس عرض و ارسال نموده‌اند و همچنین در بعضی از الواح الهیّه و مراسلات اینعبد که باطراف رفته ذکر ایشان بوده وقتی اینکلمهٴ علیا از لسان مالک اسماء و فاطر سماء ظاهر فرمودند حقّ قویّ قادر میرزا را ملجأ نمود بر آنچه که ظاهر شد و سبب اعلاء کلمه گشت متبسّماً فرمودند اگر غیر این بود از خلاف حکمت محسوب و مستحقّ حدّ انتهی اگرچه اینهم صرفهٴ ایشانست چه که در حین حضور باید اجرا شود لذا قبل از اجرا حکم لقا ثابت و بعد هم فضل و کرم موجود شاید عفو فرمایند دیگر آنحضرت امواج بحر رحمت و ظهورات آفتاب فضل را مشاهده فرموده‌اند یفعل کیف یشآء و یحکم کیف یرید و هو المقتدر العزیز الحمید

 و اینکه در بارهٴ حبیب روحانی جناب ابن ابهر علیه بهآء اللّه مرقوم داشتید فی‌الحقیقه امر از قراریست که آنحضرت مرقوم داشته‌اند بجهة تبلیغ امر بسیار خوبند چه که چندی قبل از لسان قدم کلمه‌ئی استماع شد که مدلّ بر اینمقام اعلی بود للّه درّه فیکلّ الأحوال بعد از عرض کلمات مذکورهٴ آنحضرت در ساحت امنع اقدس لسان عظمت باینکلمهٴ علیا ناطق قوله جلّ و عزّ یا اسمی الحمد للّه ابن ابهر علیه بهائی بر خدمت قیام نموده‌اند و بطراز تبلیغ مزیّنند در جمیع احوال مؤیّد بوده و خواهند بود آنچه آنجناب در بارهٴ امورش مصلحت دیدند لدی المظلوم بشرف قبول فائز چه که اینفقره لعمری بر مقامش افزوده و میافزاید فی‌الحقیقه مالش یعنی ملکش فی سبیل اللّه محسوب تعالی هذا المقام چه که از بیع فراغت حاصل و از فراغت ما اراده اللّه ظاهر طوبی له یا اسمی طوبی لأبیه الّذی شرب رحیق الاستقامة من ید عطآء ربّه و کان من الموقنین فی کتاب مبین مقامش عنداللّه بسیار عظیمست طوبی للعارفین و طوبی للزّائرین انّه ممّن سترنا ذکره لضعف العباد بشّر ابنه من قبلی و کبّر علیه من لدی المظلوم لیشکر ربّه الکریم عنایات الهیّه البتّه توجّه نماید و منقطعین را دریابد انّه لهو المقتدر القدیر ذرّه‌ئی از اعمال طیّبه عنداللّه ضایع نشده و نخواهد شد من یتفکّر فی القرون الأولی یشهد بما شهد به لسان المظلوم فی هذا المقام الکریم انتهی

 اینفانی هم از فضل و عنایت حقّ جلّ جلاله این ایّام مؤیّد شد بر جواب جناب ایشان انّه مزیّن بذکر اللّه ربّنا و ربّکم و ربّ العرش العظیم انشآءاللّه بآیات الهی فائز شوند و از بحور معانی آن بیاشامند انّ فضله احاط من فی السّموات و الأرضین آنچه بجناب مرحوم مرفوع مبرور جناب حاجی سیّد علی اکبر علیه بهآء اللّه و رحمته رسیده رسیده در این حین فرمودند آنچه از حقوق بر ذمّهٴ ایشان از قبل و بعد بوده ادا شد و بزینت قبول مزیّن للّه الحمد فیکلّ الأحوال یهب لمن یشآء ما یشآء و یعطی کیف یرید و هو المقتدر القدیر

 و اینکه در بارهٴ جناب ملّا اسداللّه علیه بهآء اللّه مرقوم داشتند بعد از عرض در ساحت امنع اقدس اینکلمات عالیات و آیات باهرات از سماء عنایت مالک اسماء و صفات مخصوص ایشان نازل و بخطّ حضرت غصن‌اللّه روحی و ذاتی و کینونتی لتراب قدومه الفدآء ارسال میشود قوله تبارک و تعالی

هو الشّاهد السّمیع الخبیر

انّا اردنا ان نذکر من اقبل الی الأفق الأعلی اذ اعرض عنه العلمآء و العرفآء الّا من شآء اللّه ربّ الأرباب هذا یوم فیه ارتفع حفیف سدرة المنتهی و جری فرات المعانی و البیان طوبی لمن شرب و فاز و ویل لأهل الضّلال الّذین نبذوا کتاب اللّه عن ورائهم و اتّبعوا مظاهر الظّنون و الأوهام قم باسم ربّک الّذی یذکرک فی السّجن الأعظم ثمّ اخرق حجبات الأمم قل تاللّه هذا یوم المعاد و ینادی فیه امّ الکتاب قل یا ملأ الأرض اتّقوا اللّه و لا تنکروا الّذی اذا ظهر ظهر ما کان مستوراً فی علم اللّه و مسطوراً فی الزّبر و الألواح ایّاکم ان تمنعکم کتب العالم عن مالک القدم او تحجبکم شئونات الدّنیا عن التّوجّه الی الأفق الأعلی او تحزنکم ضوضآء العلمآء قوموا بالرّوح و الرّیحان باسم اللّه مالک الأدیان و قولوا قد اقبلنا الیک یا مقصود العالم و توجّهنا الی وجهک یا سلطان الآیات کذلک نوّرنا افق اللّوح بأنوار البیان طوبی لمن اخذ و ویل لمن نقض عهد اللّه فی یوم الطّلاق قم علی خدمة الأمر ثمّ انطق بهذا الاسم الّذی به اقشعرّت الجلود و تزعزعت الأرکان قد سمعنا ذکرک ذکرناک و انزلنا لک ما یجد منه المخلصون عرف الخلود فی القرون و الأعصار اذا فزت بلوحی و وجدت منه عرف بیانی قم و قل

 اشهد بما شهد به لسان قدرتک قبل خلق سمائک و ارضک انّه لا اله الّا انت العزیز الوهّاب انت الغریب الّذی عرّفت العباد وطنهم الأعلی و اظهرت لهم ما یقرّبهم الی اللّه فیکلّ الأحوال و انت المظلوم المسجون الّذی ناح بما ورد علیک اهل الفردوس الأعلی و ملکوت الأسمآء فی العشیّ و الاشراق انتهی

 اینعبد تکبیر و سلام خدمت ایشان میرساند و از حقّ منیع مسئلت مینماید که ایشانرا مؤیّد فرماید بر خدمت امرش و ناطق نماید بثنایش بشأنیکه برودت عالم اثر ننماید و حرارت آیات الهی در کلّ حین بر حرارت محبّتشان بیفزاید تا باسم ‌اللّه مذکور باشند و بمحبّة اللّه معروف و مشهور انّه مؤیّد من اقبل الیه و نطق بثنائه

 و اینکه ذکر جناب آقا محمّد کریم علیه بهآء اللّه و اخوان و منتسبین ایشان علیهم بهآء اللّه فرموده بودند و همچنین نزول آنحضرت بخواهش ایشان در آن بیت اینمراتب تلقاء وجه قدم عرض شد هذا ما نطق به لسان القدرة و القوّة فی ملکوته قوله جلّ و عزّ جناب کریم و منتسبین او در ساحت اقدس مذکور بوده و هستند عنایت حقّ تعالی شأنه شامل حالشان بوده باصغاء ندا فائز گشتند و بانوار یقین مطرّز آنچه در سبیل الهی عمل نمودند تلقاء وجه مذکور و در کتاب از قلم اعلی مسطور طوبی للّذین اکرموا مثواک و اغتنموا لقائک فی حبّ اللّه ربّ العالمین

 جناب رحیم و اخوی را تکبیر برسان قل یا رحیم این اشتعالک و عرف اقبالک انّا عزّزناک و رفعناک الی مقام رأیت الآیة الکبری و سمعت ندآء ربّک الأبهی اینمقام بلند را فراموش مکن و از او غافل مشو قسم بنیّر اعظم هر نفسی الیوم فی‌الجمله از ذکر و خدمت حقّ غافل شود حسرت و ندامت عنقریب او را اخذ نماید حمد کن مقصود عالمیانرا که ترا مؤیّد فرمود بشأنیکه فائز شدی بآنچه که در کتب قبل و بعد از قلم اعلی جاری و ثبت گشته انشآءاللّه لازال باینمقام ناظر باشی و باسم حقّ جلّ جلاله حفظش نمائی البهآء علیهم من لدی اللّه العلیم الحکیم انتهی

 اینعبد چندی قبل جواب مراسلهٴ جناب آقا محمّد کریم علیه بهآء اللّه را که بجناب اسم جود علیه بهآء اللّه الأبهی نوشته بودند ارسال داشته و آنمراسله حاوی آیات الهی بوده بحر فضل و کرمش در آن آیات موّاج انشآءاللّه بآن فائز گردند و به ما اراده اللّه موفّق شوند

 اینکه ارادهٴ توجّه نموده‌اند اگر بروح و ریحان واقع شود یعنی بآسانی اسباب آن فراهم آید بأسی نبوده و نیست والّا فلا در سنهٴ قبل دو نفس از دوستان الهی در آن ارض یعنی ارض ط بعنایت مخصوصه فائز گشتند مع آنکه در ظاهر از توجّه بشطر اقدس ممنوع ولکن عملشان و زیارتشان در ساحت عرش مقبول و مکرّر کلمهٴ قبول در بارهٴ ایشان از لسان عظمت استماع شد و فائز شدند بآنچه که اینعبد بکلمهٴ یا لیتنی فزت بما فازا متکلّم للّه الأمر من قبل و من بعد و هو الآمر العادل الحکیم

 و اینکه ذکر جناب آقا میرزا محمّد علی ک‌د علیه بهآء اللّه فرمودند و همچنین ذکر آقا اکبر علیه بهآء اللّه الحمد للّه جناب ایشان بعنایت حقّ فائز بوده و هستند و همچنین منتسبین ایشان انشآءاللّه در جمیع احوال بخدمت امر مشغول باشند و در اعلاء کلمه جهد بلیغ مبذول دارند بها تظهر مقاماتهم و مراتبهم و شئونهم بین الخلق انّ ربّنا الرّحمن لهو الباذل الغفور الکریم و بعد از عرض در ساحت اقدس این لوح امنع از سماء فضل مالک ایجاد مخصوص جناب آقا اکبر نازل قوله تبارک و تعالی

بسمی المهیمن علی الأسمآء

کتاب انزله المظلوم و فیه ما یقرّب النّاس الی اللّه العلیم الخبیر طوبی لذی بصر رأی الأفق الأعلی و لذی سمع سمع النّدآء اذ ارتفع من مطلع الکبریآء انّه لا اله الّا انا المقتدر القدیر انّا ذکرنا الّذین اقبلوا الی الوجه و انزلنا لهم ما یجد منه المخلصون عرف عنایة اللّه ربّ العالمین یا اکبر یذکرک المظلوم من شطر منظره الأنور بآیات لا تعادلها خزائن الأرض یشهد بذلک کلّ عارف بصیر هذا یوم فیه سرت سفینة البیان علی البرّ و البحر و نطق الرّحمن فی ملکوت البیان بما انجذبت به افئدة المقرّبین طوبی لمن نبذ العالم حبّاً للّه مالک القدم و عمل بما امر به فی کتابه المبین هذا یوم فیه تمّت الحجّة و کملت النّعمة و نزّلت المائدة و القوم فی حجاب غلیظ طوبی لمن قام علی خدمة الأمر بالرّوح و الرّیحان و خرق حجبات من فی الامکان باسم ربّه القویّ القدیر کذلک نوّرنا قلوب المخلصین بأنوار البیان و انا المعطی الباذل الکریم انتهی

انشآءاللّه از انوار آفتاب بیان حضرت رحمن منوّر شوند و بکمال روح و ریحان بذکر محبوب امکان مشغول گردند انّ الخادم یکبّر علی جناب کدخدا و علیه و علی الّذین آمنوا باللّه فی یومه العظیم و آنچه آنحضرت مرقوم فرموده‌اند در توجّه بارض م و همچنین در رساندن اشیاء و امانات جمیع محبوب و در ساحت اقدس مقبول کلّشیء من الملیح ملیح انشآءاللّه مراسلات قبل بنظر مبارک برسد چه که حامل آیات بدیعهٴ منیعه بوده من لدی الحقّ دیگر اینفانی لا‌شیء خدمت جمیع آقایان و دوستان و اولیا و اصفیای حقّ تکبیر و سلام معروض میدارد و از حقّ جلّ جلاله میطلبد کلّ را فائز فرماید بآنچه که سزاوار ایّام اوست لیس هذا علیه بعزیز

 عرض دیگر الحمد للّه قرّهٴ عین جناب حسین افندی و ورقه ورقائیّه خانم علیهما بهآء اللّه بنعمت صحّت و سلامتی فائزند و در ظلّ سدرهٴ حفظ رحمانی محفوظ اغصان سدره مبارکهٴ الهیّه روحی و ما اعطانی اللّه لتراب اقدام عزّهم الفدآء و اهل سرادق عصمت و عظمت بحر تکبیر و بها و ذکر و ثنا ابلاغ فرمودند این خادم اگر بخواهد شرح اینمقام را علی ما هو علیه عرض نماید البتّه عاجز و قاصر بوده و خواهد بود و همچنین هر یک از طائفین تکبیر ابدع امنع اعلی عرض مینمایند و خلوص بحت باتّ اظهار میدارند البهآء اللّائح المشرق من افق سمآء فضل ربّنا و مقصودنا و مقصودکم علی حضرتکم و علی الّذین انصفوا فی امر اللّه و فازوا بعرفان یومه البدیع و الحمد للّه المقتدر المتعالی العزیز المنیع

خ‌ادم

فی ۱۵ شهر ربیع‌الأولی سنة ١٣٠٠

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر

1. ۱ ارقام ٢ و ۵ و ١ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکيل ميدهد. [↑](#footnote-ref-1)